پیامبر صلی الله علیه وسلم روز دو شنبه ۲۹ صفر سال ۱۲ هجری دچار مریضی شدند که در دوشنبه ۱۲ ربیع الاول همین سال به عمر ٦٣ سالگی دار فانی را وداع گفتند.

سیرت آن حضرت ﷺ برای ما چه پیامی دارد؟

اولین چیزی که در دعوت رسول الله ﷺ به نظر می رسد، این است که رسول الله ﷺ هرگونه تبعیض رنگ، نسل (نژاد) و قوم و زبان و وطن را مردود دانسته، انسان را به حیث انسان مخاطب می سازد و اصولی را برای او پیشکش می کند که در آن خیر و فلاح همه بشریت نهفته است؛ هر کس این اصول را بپذیرد، مسلمان است و فردی از امت اسلام شمرده می شود، خواه سیاه پوست باشد، یا سفید، باشندۀ شرق باشد یا غرب، عربی باشد یا عجمی!... لذا هیچ گونه تبعیض اعلی و ادنی، هیچ گونه امتیاز طبقاتی یا نسلی و هیچ گونه افتراق لسانی قومی، یا جغرافیایی که بعد ازتشکیل وحدت عقیدوی در میان مسلمانان به میان می آید، یک انسان را از انسان دیگر در این امت جدا ساخته نمیتواند!

اصولی که رسول الله ﷺبرای بهبود وضعیت بشر پیشکش فرمودند:

تصور وسیع از وحدانیت الله متعال

اولین اصل پذیرفتن وحدانیت الله متعال است؛ نه تنها به این معنی که خداوند وجود دارد و یکی است، بلکه به این معنی که خالق ،مالك، مدبر و حاکم واحد این کاینات او است و هیچ ذات دیگری در همه کاینات نیست که حاکمیت و اقتدار نزد او باشد و حق امر و نهی داشته باشد و یا بتواند چیزی را از نزد خود، حرام و یا حلال گرداند.

دعوت اسلام این است که الله ﷻ تعالی را با این حیثیت بپذیریم که ما فقط بنده گان او هستیم و هیچ کس دیگری حق ندارد که خلاف قانون وی بر ما حکم براند... اوست که مرگ و زنده گی ما را کاملاً در دست دارد و اگر مرگ از جانب او بیاید هیچ نیرویی نمی تواند ما را نجات دهد و اگر زندگی عطا نماید هیچ نیرویی نمیتواند ما را هلاك کند.

آزادی حقیقی

تصور آزادی حقیقی را جز دین حق، هیچ کسی به جامعه بشری نداده است. در این تصور می بینیم که انسان تنها بنده الله ﷻاست نه از دیگری، حتی رسول الله ﷺ! و به این ترتیب دین اسلام خدایی انسان بر انسان را برای همیشه تم نمود.

درکنار این، بزرگترین نعمتی را که این پیغام برای بشریت عطاکرد، بالا دستی قانون الهی است که اختیار رد و بدل یا پیچ و تاب دادن آن را برای کدام شاه دیکتاتور، یا مجلس قانون ساز دیموکراتیك یا کدام قومی که اسلام را پذیرفته، نداده است.

جواب دهی در حضور الله ﷻ:

سخن دیگری را که رسول الله ﷺ به بنده گان الله ﷻ گفت این است که شما در مقابل الله ﷻجوابده هستید، شما را درین دنیا همچو شتری بی مهار نگذاشته اند که هرچه دلتان خواست انجام دهید و در هرکشتزاری که دلتان خواست بچرید وکسی از شما بازخواست نکند، بلکه شما از یك یك حرف تان و از همه زنده گی اختیاری خویش، در مقابل خالق و معبود خود جوابده هستید و بعد از مرگ برخواهید خاست و در برابر پروردگارخویش برای محاسبه ایستاده خواهید شد.

این گونه است که با رهنمای رسول الله ﷺ، انسان نه تنها یك قانون دایمی غیر قابل تبدیل و دارای ارزشهای اخلاقی به دست می آورد، بلکه برای تحکیم اخلاق و شخصیت انفرادی و ملی خود، اساسی را می یابد که هیچ گاهی متزلزل نمی شود.

بکارگیری اخلاق در دنیا داری به جای رهبانیت:

دعوت رسول الله ﷺ برایمان می آموزد که اخلاق برای راهبان گوشه گیر نیست و نه هم برای درویشان خانقاه نشین، بلکه بکارگیری اخلاق برای هربخش زنده گی دنیوی ضروری است.

محمد ﷺ به مردم آموخت که مرتبه ولایت برای انسان با گوشه گیری و فقط با الله الله گفتن به دست نمی آید، بلکه ولایت این است که حاکمان و قضات و جنرالها و فرماندهان و تاجران و... به شکل یك دنیا دار واقعی ظاهرگردیده و در هر موقع دیانت داری و خدا ترسی

خود را ثابت کنند. این گونه محمد ﷺ اخلاق و روحانیت را ازگوشه های رهبانیت و انزوا طلبی بیرون آورده در میدانهای اقتصاد، اجتماع، سیاست، عدالت، صلح و جنگ به جریان انداخت .

برکات هدایت آن حضرت صلی الله علیه وسلم:

- این از فیض و برکت رهنمایی آن رسول الله ﷺ بود که با شروع نبوت ایشان، دزدان و رهزنان از جنایت دست کشیده، به الله و رسولش ایمان آورند و سپس تبدیل به بهترین امانتداران و محافظان آبرو و جان و مال خلق الله ﷻ شدند.

قبل از آن حضرت ﷺ، دنیا حکمروایانی را می شناخت که با ظلم و زور و کشتار رعیت خود را تحت فشار نگه میداشتند و با زنده گی درکاخ های بلند دعوای خدایی میکردند و ملتها را به بند میکشیدند و بر نوامیس شان تجاوز و اموال شان را مصادره میکردند، ولی رسول الله ﷺ این دنیا را با حاکمانی آشنا ساخت که در بازارها به شکل انسانهای عادی گشت و گذار می نمودند و با برپا کردن عدل و انصاف بردلها حکومت می راندند.

اگر شخصی میخواهد بفهمد که از این روش رسول الله ﷺ چه اثری بر امت وی مرتب گردیده است، میتواند اوراق تاریخ را نگاه کند هنگامی که مسلمانان به اندلس (اسپانیایی امروز) داخل شدند چه روشی داشتند و هنگامی که مسیحیان برآنها غلبه حاصل کردند با مسلمین چگونه معامله کردند و یا در هنگام جنگهای صلیبی وقتی مسیحیان داخل بیت المقدس شدند با مسلمانان چگونه برخورد نمودند و وقتی مسلمانان بیت المقدس را دوباره گرفتند روش شان با مسیحیان چگونه بود؟

برادر و خواهر مسلمان !

این جلوه بود از سیرت تابناک پیامبر رحمت! و اکنون اگر مسلمانان میخواهند که دو باره آن مجد و عظمت از دست رفته خود را فراچنگ آورند و از این حالت ناگوار به در آیند، باید به قرآن و سنت و سیرت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وسلم متمسک شوند و مفاهیم این دو ثقل ارزشمند را در زنده گی فکری و عملی و اخلاقی خود پیاده سازند.



جمعیت اصلاح افغانستان

بخش دعوت و ارشاد

بروشر یک میلیونی سیرت النبی ﷺ

زنده گی در پرتو آفتاب

سیرت النبی ﷺ





وبـ سایت

www.eslahonline.net

EslahOnlin1

JamiatEslahOfficial

رادیو صدای اصلاح

104.3 FM

تلاش توهین آمیز مجلهٔ فرانسوی به ساحت پیامبر بزرگ اسلام، غضب و عکس العمل مسلمانان را در سرتاسر جهان بر آنگیخت، تظاهرات گسترده براه انداخته شد و راهپیمایی های بزرگ صورت گرفت.

جمعیت اصلاح نیز این عمل زشت مجلهٔ شارلی ایبدو فرانسوی را تقبیح نموده، راهپیمایی های صلح آمیز را در تمام کشور براه انداخت و در ضمن چاپ و نشر بروشر یک ملیونی سیرت النبیﷺ را اعلان نمود و از هموطنان خواست تا در تمویل آن کمک نمایند، الحمدلله بروشر چاپ گردیده و خدمت خواننده گان قرار دارد، امید که مورد استفاده قرار گیرد.

مختصری از زنده گی نامهٔ رسول الله ﷺ

اسم شان محمد اسم پدرشان عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر که لقب فهر قریش بود و قبیله قریش به او منسوب است. مادر ایشان آمنه بنت وهب بن عبدمناف بن زهره بن کلاب بن مره است.
عبدالله پدر آنحضرت صلی الله علیه وسلم، شش ماه قبل از پیدایش ایشان در یثرب (مدینه) وفات نمود. رسول الله صلی الله علیه وسلم روز دو شنبه دوازدهم ربیع الاول و به روایت دیگر نهم ربیع الاول سال فیل مصادف با ۲۰ اپریل ۵۷۱ میلادی چشم به دنیا گشودند. پدربزرگ ایشان عبدالمطلب اسم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را گذاشت .

دورهٔ رضاعت را نزد بی بی حلیمه سعدیه گذشتاندند. به عمر شش سالگی مادر شان و در عمر هشت سالگی عبدالمطلب پدر بزرگ شان را از دست دادند. در عمر بیست سالگی با کاکاهایشان در جنگ فجار اشتراک داشتند. به عمر بیست و پنج سالگی، در قافله تجارتی خدیجه رضی الله عنها غلامش میسره را همراهی نمودند. بعد از سفر تجارتی ام المؤمنین خدیجه رضی الله عنها برایشان درخواست ازدواج فرستاد که آنحضرت صلی الله علیه وسلم درخواست ایشان را پذیرفتند در این موقع سن آنحضرت صلی الله علیه وسلم ۲۵ سال و سن حضرت خدیجه رضی الله عنها ٤۰ سال بود و ثمرهٔ این ازدواج دو

پسر به اسمهای قاسم و عبدالله و چهار دختر به اسمهای زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه بود.

زمانی که سن آنحضرت به ٤۰ سالگی رسید روز دوشنبه بیست و یکم ماه رمضان المبارک مصادف با دهم اگست ٦۱۰ میلادی در غار حراء به پیامبری مبعوث شدند. ام المؤمنین خدیجه، زید بن ثابت، علی و ابوبکر رضی الله عنهم از اولین اشخاصی بودند که به دعوت آنحضرت صلی الله علیه وسلم لبیک گفته و به دین اسلام گرویدند.

بعد از نزول وحی دعوت مخفی اسلام سه سال دوام نمود که در این مدت بیشتر از ۳۰ نفر به دین اسلام پیوستند. با آغاز سال چهارم بعثت، دعوت اسلامی با نزول حکمی از جانب پروردگار آشکار گردید و همزمان با آشکار شدن دعوت ظلم و شکنجه مشرکین قریش بالای مسلمین آغاز گردید. زمانیکه ظلم و تجاوز مشرکین بر مسلمین شدت یافت برای بار اول در سال پنجم بعثت دوازده تن از مردان مسلمان و چهار تن از زنان مسلمان مجبور به هجرت به حبشه گردیدند.

در سال ششم بعثت حضرت حمزة و حضرت عمر رضی الله عنهم مسلمان شدند و در سال هفتم بعثت به تعداد ۱۰۱ تن از مسلمانان برای بار دوم به سوی حبشه هجرت نمودند که در این میان ۸۳ مرد و ۱۸ زن شامل بود در همین سال قریش با بنی هاشم که قوم آنحضرت صلی الله علیه وسلم بودند مقاطعه نموده و به جز ابولهب همه آنها را در دره ابوطالب در محاصره قرار دادند.(این محاصره سه سال دوام نمود نه یک سال)

ماه محرم سال دهم این فیصله ظالمانه به پایان رسید و در ماه رجب همین سال ام المؤمنین خدیجه رضی الله عنها و ابوطالب از دنیا رحلت نمودند. در جریان همین سال، سلسله نشر دعوت اسلامی به خارج از مکه آغاز گردید.

اولین سفر دعوتی پیامبر صلی الله علیه وسلم خارج از مکه، به شهر طائف بود که باشنده گان این شهر پیامبر صلی الله علیه وسلم را با پرتاب سنگ ها اذیت نمودند .

در سال دهم بعثت شش تن از باشندگان شهر مدینه (یثرب) به اسلام مشرف گردیدند و در سال یازدهم یا دوازدهم بعثت در ماه ربیع الاول یا محرم واقعه اسراء و معراج اتفاق افتاد .

در سال دوازدهم بعثت در موسم حج دوازده تن از مردم مدینه بار دیگر با پیامبر صلی الله علیه وسلم بیعت نمودند. که بعد از این بیعت، حضرت مصعب بن عمیر رضی الله عنه به حیث اولین سفیر دعوتی برای تعلیم احکام اسلام به مدینه فرستاده شد.

در سال سیزدهم بعثت، هنگام حج ۲۷ ماه (ذی الحجه) شب هنگام آنحضرت صلی الله علیه وسلم همراه با دوست شان حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه از مکه به مدینه هجرت نمودند که در هشتم ربیع الاول روز دوشنبه در قباء منطقه نزدیک مدینه رسیدند.

در مدینه منوره منزل حضرت ابو ایوب انصاری رضی الله عنه برایشان وقف گردید و در آنجا قبل از هرکار دیگر اساس مسجدی را گذاشتند که اکنون به اسم مسجد نبوی مشهور است بعدا در میان تمام باشنده گان مدینه پیمان دفاعی و پیمان مواخات به امضا رسید و به رهبری پیامبر صلی الله علیه وسلم اساس دولت اسلامی گذاشته شد.

بعد از برقراری دولت اسلامی اولین واقعه که اتفاق افتاد غزوهٔ بدربود، غزوهٔ بدر روز جمعه هفدهم رمضان سال دوم هجری بوقوع پیوست که در این غزوه لشکر مسلمین به رهبری حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم و لشکر مشرکین به رهبری ابوجهل (عمرو بن هشام) بین هم دیگر به کازار پرداختند.

در جنگ بدر تعداد مجاهدین به ۳۱۳ تن و تعداد مشرکین به ۱۰۰۰ تن میرسید. در جریان این جنگ ۱٤ تن از لشکر مسلمین به شهادت رسیدند و از لشکر کفار ۷۰ تن کشته و ۷۰ تن دیگر دستگیر شدند.

در ماه شوال همین سال قبیله یهودی بنی قینقاع به سبب رویه بد با یک زن مسلمان از شهر مدینه اخراج شدند.

در سال سوم هجری در دامنه کوه احد، غزوهٔ احد میان مسلمین و مشرکین در گرفت در این غزوه ۷۰۰ مسلمان در مقابل ۳۰۰۰ مشرک به جهاد پرداختند و در نتیجه ۳۷ تن از مشرکان کشته و ۷۰ تن از مسلمانان به شهادت رسیدند، که حمزه رضی الله عنه کاکای پیامبر

صلی الله علیه وسلم نیز در میان این شهدا بود. بعد از این جنگ قبیله یهودی بنی نضیر به سبب دسیسه قتل پیامبر از مدینه منوره اخراج شدند.

در سال ٥ هجری با محاصره ی مدینه ی منوره توسط گروههای مختلف مشرکین غزوهٔ احزاب اتفاق افتاد که این جنگ بدون خونریزی به شکست کافران به پایان رسید در همین سال قبیله یهودی بنی قریظه به سبب خیانت در عهد با مسلمانان و همدستی با کفار در جنگ خندق، محاصره شدند که در روز بیست پنجم محاصره، مردان شان کشته، زنان و اطفال شان اسیر و اموال شان به غنیمت برده شد.

در شعبان سال ٦ هجری غزوهٔ بنی مصطلق به وقوع پیوست. در ذی القعده سال ٦ هجری، صلح حدیبیه میان پیامبر صلی الله علیه وسلم و مشرکین مکه صورت گرفت، بعد از صورت گرفتن این صلح پیامبر صلی الله علیه وسلم پادشاهان مختلف دنیا را با فرستان نامه ها به اسلام دعوت کرد. در محرم سال ۷ هجری خیبر فتح شد. در سال ۸ هجری غزوهٔ موته بوقوع پیوست که در این غزوه سه تن از فرماندهان مسلمان (زید بن حارثه، جعفر طیار و عبدالله بن رواحه رضی الله عنهم) به شهادت رسیدند. در دهم رمضان سال ۸ هجری به سبب خیانت مشرکین مکه با مسلمانان، پیامبر صلی الله علیه وسلم با لشکر ده هزار نفری غرض فتح مکه روانه شدند، که در روز چهارشنبه ۱۷ رمضان مکه مکرمه به دست پیامبر صلی الله علیه وسلم فتح گردید در شانزدهم شوال همین سال غزوهٔ حنین و محاصره طائف صورت گرفت که با به درازا کشیدن مدت محاصره، مسلمانان دو باره برگشتند. در رجب سال نهم هجرت غزوهٔ تبوک خارج از سرزمین حجاز بوقوع پیوست که بدون کدام در گیری، لشکریان اسلام موفقانه باز گشتند.

در ۲٦ ذی القعده سال دهم هجری روز شنبه پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ادای فریضه حج از مدینه منوره به سوی مکه مکرمه روانه شدند که در چهارم ذی الحجه به مکه رسیدند، و با ادای فریضه حج طریقه ی حج و قوانین اسلامی را برای مسلمانان بیان نمودند.